

درس نهم

رنج هایی کشیده ام که می پرس



فارسی ششم دبستان

علوی

درس نهم رنج هایی کشیده ام که می پرس



درس نهم



رنج‌هایی کشیده‌ام که می‌پرس



فارسی ششم دبستان

علوی

درس نهم رنج‌هایی کشیده‌ام که می‌پرس



رنج‌هایی کشیده‌ام که می‌رس

در این درس، مفاهیم زیر را می‌آموزم:

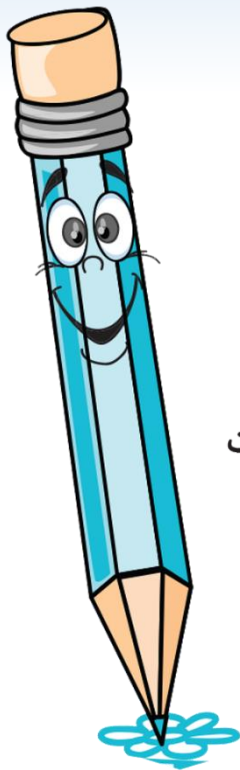
۱ آشنایی با زندگی دهخدا

۲ آشنایی با بزرگ‌ترین و جامع‌ترین فرهنگ‌نامه‌ی فارسی

۳ چگونگی گردآوری لغت‌نامه‌ی دهخدا، نحوه‌ی استفاده از فرهنگ لغت

۴ واژه‌های ساده و غیرساده

۵ آشنایی با «علی‌اکبر دهخدا»، «باباطاهر» و «مصطفی‌علی‌پور»



رنج‌هایی کشیده‌ام که می‌رس

درس نهم



فارسی ششم دبستان

درس نهم رنج‌هایی کشیده‌ام که می‌رس

علوی

علی اکبر دهمدا در سال ۱۲۵۷ هجری شمسی در تهران به دنیا آمد. او خود را این‌گونه معرفی می‌کند: «پدر من خان باباخان است که سپاهی بوده و از او شمشیرها و چند عدد نیزه و خنجر و پیراهنی که آیات قرآنی در پشت و روی آن نوشته شده، بر جای مانده است. پدر من، دار و ندار خود را در قزوین فروخت و به تهران آمد. من در نه سالگی، پدرم را از دست دادم و مادرم تربیت مرا به عهده گرفت. من، علوم قدیم را از استادان مختلف فرا گرفتم. معلمین من شیخ غلامحسین بروجردی و شیخ هادی نجم‌آبادی بودند و من هر چه دارم بر اثر تعلیم این دو بزرگ‌مرد است.»

دهمدا در همان زمان به فراگرفتن زبان فرانسوی پرداخت و معلومات خویش را تکمیل کرد.

لغتنامه، مفصل‌ترین کتاب لغت در زبان فارسی است. دهمدا برای تألیف این کتاب، نزدیک چهل سال کوشش کرد و در این مدت، حدود صد نفر با وی همکاری داشته‌اند.

لغتنامه، مهم‌ترین و اساسی‌ترین اثر دهمدا است و بیشتر شهرت دهمدا به خاطر همین اثر اوست. بنا به باور بسیاری، چنین کار بزرگ و عظیمی را برای زبان فارسی به غیر از دهمدا، تنها فردوسی انجام داده بود. امروز در ایران به هر کتابخانه‌ای که برویم از تعداد مراجعه‌کنندگانی که در جست‌وجوی لغتنامه‌ی دهمدا هستند، می‌توانیم ارزش و اهمیت این کتاب را درک کنیم.



تقریباً همه لغات فارسی و نام شهرها و روستاها و کلمات علمی و اشخاص بزرگ و حتی لغات عربی را می توان در لغتنامه‌ی دهخدا یافت. در جلوی هر کلمه ای، معنا، موارد کاربرد، طرز تلفظ صحیح، همراه با اشعار و اطلاعات دیگر آمده است. لغتنامه‌ی دهخدا در واقع یک دایرة المعارف است.

دهخدا برای نوشتن این لغتنامه، شب و روز به مطالعه و جمع آوری اطلاعات مشغول بود. آن طور که نوشته اند، وی چند میلیون یادداشت از روی متون معتبر استادان شعر و نثر فارسی و عربی، لغتنامه‌های چاپی و خطی، کتاب‌های تاریخ و جغرافیا، طب، ریاضی و علوم دیگر فراهم آورده بود. به گفته‌ی خود او و نزدیکانش، هیچ روزی از کار تحقیق و یادداشت برداری برای لغتنامه، غفلت نکرد مگر دو روز به خاطر درگذشت مادرش و دو روز به خاطر بیماری سختی که دچار شد.



علامه دехدا در یکی از یادداشت‌های پراکنده‌اش برای لغتنامه، می‌نویسد: «همه‌ی لغات فارسی زبانان تاکنون در جایی جمع‌آوری نشده، هزاران لغت فارسی و غیرفارسی به کار می‌رود که تاکنون کسی آنها را گردنیاورده و اگر گرد آورده به چاپ نرسانیده است. ما بسیاری از این لغات را به تدریج از حافظه، نقل و سپس آنها را الفبایی کرده‌ایم... و این کار بی‌هیچ تأخیر و درنگی، بیرون از بیماری چند روزه و دو روز رحلت مادرم رحمة الله علیها که این شغل تعطیل شد، ادامه یافت و می‌توانم گفت که بسیار شب‌ها نیز در خواب و در بیداری در این کار بودم. چه بارها که در شب از بستر بر می‌خاستم و چراغ روشن می‌کردم و چیز می‌نوشتیم. مرا هیچ چیز جز مظلومیت مشرق در مقابل ظالمین ستمکار مغربی به تحمّل این رنج سنگین و انداشت؛ چه برای نان، همه‌ی راه‌ها به روی من باز بود و نام را نیز چون جاودانی نمی‌دیدم، پاینده آن نبودم».

در میان دانشمندان معاصر ایران، باید علامه دехدا را بزرگ‌مرد فرهنگ ایران دانست. او سرشار از عشق به فرهنگ و وطن بود و نامی بلند در میان دانشمندان ایرانی داشت و آثار با ارزشی از خود به یادگار گذاشته است.



غروب روز دوشنبه ۷ اسفند ماه ۱۳۳۴ شمسی بود. رنج و زحمت سال ها مطالعه، تحقیق و جست و جو و سرانجام، بیماری، دهمدا را از پای در آورده بود. هزاران جلد کتاب، که در مدت چهل و هشت سال با او سخن ها گفته بودند، اینک همه خاموش نشسته و استاد پیر را تماشا می کردند.

در این هنگام، دو شاگرد، همکار صمیمی و مهربانش، محمد معین و سید جعفر شهیدی به دیدار وی آمدند. لحظاتی چند با سکوت، سپری شد. استاد پیر، هر چند لحظه یک بار به حالت سستی و ضعف در می آمد و چشمانش را فرومی بست و باز به حال عادی برمی گشت. در یکی از این لحظات، دهمدا سکوت را شکست و گفت: «که پرس».

باز برای چند لحظه، همه ساکت شدند و دهمدا بار دیگر گفت: «که پرس».

در این هنگام، محمد معین پرسید: «منظورتان شعر حافظ است؟»

دهمدا جواب داد: «بله».

معین گفت: «استاد، می خواهید برایتان بخوانم؟»

دهمدا گفت: «بله».

آنگاه، معین، دیوان حافظ را برداشت و چنین خواند:



دردِ عشقی کشیده ام که مپرس
گشته ام در جهان و آخر کار
بی تو در کلبه‌ی گدایی خویش
همچو حافظ، غریب در ره عشق
زهرِ هجری کشیده ام که مپرس
دلبری برگزیده ام که مپرس
رنج‌هایی کشیده ام که مپرس
به مقامی رسیده ام که مپرس

اندکی پس از آن، دهن‌دا بی‌هوش شد و روز بعد به دیدار پروردگارش رفت. آرامگاه او در شهر ری (ابن بابویه) قرار دارد.



معنی شعر:

زهرِ هجری چشیده ام که می‌پرس

درد عشقی کشیده ام که می‌پرس

معنی بیت: . از من دربار هی درد عشق و تلخی دوری که تحمل کرده ام نپرس (آن قدر شدت درد و رنجم زیاد بوده که قابل توصیف نیست)

دلبری برگزیده ام که می‌پرس

گشته ام در جهان و آخرِ کار

معنی بیت: من تمام دنیا را گشت هام و در آخر معشوقی را انتخاب کرده ام که دربار هی او از من نپرس (چون خوبی ها و زیبایی های او قابل وصف نیست)

دلبری برگزیده ام که می‌پرس

بی تو در کلبه ی گدایی خویش

معنی بیت: من بدون تو در این خان هی حقیرانه و کوچکم رنجهایی را تحمل کرده ام که نپرس

به مقامی رسیده ام که می‌پرس

همچو حافظ، غریب در ره عشق

معنی بیت: همانند حافظ غریبانه در راه عشق به جایگاه رسیده ام که نپرس (جایگاهی که آنقدر والا است که قابل وصف نیست).





باران

بخوان و حفظ کن

خوشا آنان که الله یارشان بی	به حمد و قُل هُوَ اللهُ کارشان بی
خوشا آنان که دائم در نمازند	بهشت جاودان بازارشان بی

بابا طاهر

خداوندا به فریاد دلم رس	کس بی کس تویی، من مانده بی کس
همه گویند طاهر کس نداره	خدا یار من چه حاجت کس

بابا طاهر

ای نام تو روییده به گلدان لبم	در مرحمت تو غوطه ور، روز و شبم
در خاک طلب، بذر دعا کاشته ام	باران اجابت تو را می طلبم

سیدحسن حسینی

اگر آن سبز قامت، رو نماید	در باغ خدا را می گشاید
تم را فرش کردم تا بتازد	دلم را نذر کردم تا بیاید

مصطفی علی پور



باران

خوشا آنان که الله یارشان بی به حمد و قُلْ هُوَ اللهُ کارشان بی

معنی بیت: خوش به حال آنهایی که خداوند یاریگر آن هاست و همیشه در حال ذکر خداوند هستند.

خوشا آنان که دایم در نمازند بهشت جاودان بازارشان بی

معنی بیت: خوش به حال کسانی که پیوسته در حال خواندن نماز هستند و آن بهشت جایگاه همیشگی شان است

خداوندا به فریاد دلم رس کس بی کس تویی، من مانده بی کس

معنی بیت: خدایا به داد دل من برس زیرا تو پناه همه ی بی پناهان هستی و من تنهایم.

همه گویند طاهر کس نداره خدا یار منه چه حاجت کس

معنی بیت: همه می گویند طاهر (شاعر) کسی را ندارد ولی خداوند یار من است و با وجود او به کسی نیاز ندارم.

ای نام تو روییده به گلدان لبم در مرحمت تو غوطه ور، روز و شبم

معنی بیت: ای کسی که نام و یاد تو همیشه بر لبان و زبانم است و لب من دائم نام تو را می گوید و در دریای لطف و بخشش

تو روز و شب شناور هستم



بارانِ اجابتِ تو را می طلبم

در خاکِ طلب، بذرِ دعا کاشته ام

معنی بیت: من در خاک آرزوهایم دان ه ی دعا و حاجت کاشته ام و منتظر باران پاسخ تو هستم، تا بر خاک طلب (نیازمندی های من) بیارد و سبز شود.

درِ باغِ خدا را می گشاید

اگر آن سبز قامت، رو نماید

معنی بیت: اگر امام زمان (عج) چهره اش را نمایان کند، دروازه ی بهشت خداوند بر روی ما باز می شود.

دلم را نذر کردم تا بیاید

تنم را فرش کردم تا بتازد

معنی بیت: من برای آمدن امام زمان بدنم را فرش کرده ام (آمادگی دارم) که وقتی ایشان می تازند تنم (جسمم) را در راهشان فدا کنم و دل خود را نذر کرده ام تا ایشان ظهور کنند.



واژه‌های ساده و غیرساده



واژه‌ی ساده:



به واژه‌ای گفته می‌شود که از یک جزء، ساخته شده باشد.

مثال: شاگرد، وطن، بزرگ



واژه‌ی غیرساده:



به واژه‌ای گفته می‌شود که از دو یا چند جزء، ساخته شده باشد.

مثال: لغت‌نامه ← لغت + نامه





توجه: واژه‌های غیر ساده خود به چند دسته تقسیم می‌شوند:

الف) همه‌ی اجزای آن معنی دار هستند.

مثال: دعوت نامه ← دعوت + نامه

بیهوش ← بی + هوش

مهربان ← مهر + بان

ب) یک جزء معنی دار و یک یا چند جزء بی معنی دارد.

مثال: سُستی ← سست + ی


جزء بی معنی

با ارزش ← با + آرز (ارزیدن) + ش

جزء بی معنی

جزء بی معنی



پ) دو یا چند جزء معنی دار و یک یا چند جزء بی معنی دارد. 

مثال: جمع آوری ← جمع + آور + ی

جزء بی معنی

داروندار ← دار + و + ن + دار

اجزای بی معنی



نکته

اگر به واژهای نشان هی جمع، افزوده شده باشد، برای تشخیص ساده و غیرساده بودن آن، ابتدا نشانه ی جمع را حذف می کنیم.

مثال: سال ~~ها~~ سال ← ساده



تاریخ ادبیات



علی اکبر دهخدا

دانشمند، لغت‌شناس و نویسنده‌ی معروفِ معاصر است.
برخی آثار وی: لغت‌نامه، امثال و حکم، ترجمه‌ی «روح‌القوانین»، تصحیح «دیوانِ منوچهری» و تصحیح «دیوانِ حافظ»



باباطاهر عریان

از شاعران و عارفان (عارف: خدانشناس) ایرانی در قرن چهارم و پنجم هجری است. او اشعار خود را در قالبِ دو بیتی و با لهجه‌ی لری و همدانی سروده است.



مصطفی علی‌پور

نویسنده، شاعر و مدرسِ معاصر است.
برخی آثار وی: ساختارِ زبانِ شعرِ امروز، از گلوی کوچک رود، تا صبحِ دمان





هجری: هجرت، مهاجرت، هجر، هجران

عدد: تعداد، معدود

مُفَصَّل: فصل، فاصله، فواصل

تألیف: مؤلف، ألفت

اشعار: شعر، شاعر، شعور، مُشاعره

مُطالعه: طلوع، طلعت، اطلاع

معتبر: اعتبار، عبرت

طِب: طیب، مطب، طبابت

عَلَّامه: علوم، معلّم، تعلیم

تأخیر: آخرت، آخر

مظلومیّت: ظالم، مظلوم، ظلم

مُسَلِّح: سلاح، اسلحه

معاصر: عصر، عصرانه

غروب: مغرب، غرب

غریب: غُربت، غریبانه

مقام: اقامت، مُقیم، استقامت



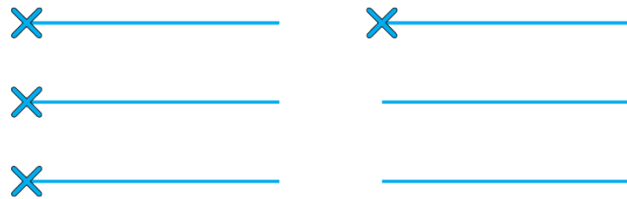
قالب های شعری:

۱) غزل: به قالبی گویند که مصراع اول و مصراع های زوج با هم، هم قافیه باشند و حداقل آن پنج بیت و حداکثر آن دوازده بیت است.

مثال



ای سرو بلند قامت دوست	به به که شمایلت چه نیکوست
در پای لطافت تو میراد	هر سرو سهی که بر لب جوست
نازک بدنی که می نگنجد	در زیر قبا چو غنچه در پوست



موضوع غزل: عاشقانه، عارفانه و یا هر دو باهم است و در بعضی مواقع رنگ سیاسی نیز دارد.

نکته:

حافظ و سعدی جزء غزل سرایان بزرگ هستند.



۲) قصیده: به شعری می گویند که بیت اول با مصراع های دوم (زوج) هم قافیه هستند.

مثال



که ردیف سخنش آمده یک <u>سر</u> تشنه	شد چنان از تف دل کام سخنور تشنه
بود آن خسرو بی لشکر و <u>یاور</u> تشنه	آه و افسوس از آن روز که در دشت بلا
غرقه ی بحر بالا بود در آن <u>بر</u> تشنه	بالب خشک و دل سوخته و دیده ی تر

×

×

قصیده: پند، اندرز، حکمت، سرزنش، نکوهش، وصف طبیعت، مدح

تعداد ابیات: ۱۵ تا ۸۰ بیت است.

شاعران معروف قصیده سرا: خاقانی، ناصر خسرو، رودکی و ...

نکته:

فرق بین غزل و قصیده در موضوع و تعداد ابیات آنهاست.

نکته:



۳) دوبیتی: شعری گویند که دو بیت بیشتر ندارد و مصراع اول و دوم و چهارم با هم هم قافیه هستند.

مثال

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم

به دریا بنگرم دریا تو بینم

نشان از قامت رعنا تو بینم

به هر جا بنگرم کوه و در و دشت

×

×

×

موضوع دوبیتی: عارفانه

بزرگترین دوبیتی سرا: بابا طاهر عریان



فارسی ششم دبستان

علوی

درس نهم رنج هایی کشیده ام که می پرس



۱. عبارات و جملات درست را از نادرست، تشخیص داده و موارد نادرست را اصلاح کن.

الف) جمله‌ی «نام را جاودانی نمی‌دیدم»، به عدم شهرت طلبی دهخدا، اشاره دارد. ✓

ب) منظور از «اسلحه‌ی تمدن جدید»، موشک است. ✗ منظور علم است.

پ) در ضرب‌المثل «کار نیکو کردن از پُر کردن است» پُر کردن؛ یعنی «لبریز کردن». ✗ تمرین کردن



۲. کدام گزینه، به شهرتِ «دهخدا» اشاره دارد؟

الف) در میان دانشمندان معاصر ایران، دهخدا را باید بزرگ مرد فرهنگ ایران دانست.

ب) او سرشار از عشق به فرهنگ وطن بود.

پ) نامی بلند در میان دانشمندان ایرانی داشت. ✓

ت) آثار با ارزشی از خود به یادگار گذاشته است.

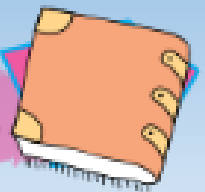


۳. منظور از «آن سبز قامت» در شعر زیر چیست؟

«اگر آن سبز قامت، رو نماید
تنم را فرش کردم تا بتازد
در باغِ خدا را می گشاید
دلم را نذر کردم تا بیاید»

آن سبز قامت : امام زمان (عج)





حکایت زیر را بخوان و به سوالات مربوط به آن پاسخ بده.

حکیمی را پرسیدند: از سخاوت و شجاعت کدام بهتر است؟ گفت: آن که را سخاوت است به شجاعت حاجت نیست.

(«گلستان سعدی» باب دوم)



۱. منظور از «سخاوت» چیست؟

بخشندگی

۲. حکیم، سخاوت را برتر دانسته است یا شجاعت را؟

سخاوت

۳. ویژگی‌های فرد سخاوتمند چیست؟

شجاعت است و ترس از بخشش کردن ندارد. بنابراین خسیس نیست و دلبسته داشته‌هایش نیست.

۴. دلیل بی‌نیازی فرد سخاوتمند به داشتن شجاعت، چیست؟

زیرا کسی که سخاوتمند باشد در ابتدا، صفت شجاعت را در خود داشته است.



پایان درس

رنج هایی کشیده ام که می پرس



فارسی ششم دبستان

علوی

درس نهم رنج هایی کشیده ام که می پرس

